

رسوایی ما در تظاهرات اخیر

امیرفیض- حقوقدان

جریان تظاهرات اعتراضی مردم ایران هرچه بودو نبود، رسوایی های فراموش نشدنی تاریخی هم برای ما داشت.

رسوایی دراینکه بعداز ۴۰ سال ادعای کارسیاسی علیه جمهوری اسلامی وقتی خود مردم دست بکار اعتراضی و تظاهراتی میشوند ما سلطنت طلبان خارج از کشور نمیتوانیم در ابتدائی ترین موضوعات در رابطه با تظاهرات مردم تصمیم گیری کنیم؛ این درحالی است که ۴۰ سال است منتظر چنین روزها و تظاهراتی هستیم.

یک پایگاه سلطنت طلب حکم میدهد که بجای شرکت در تظاهرات سه هفته در خانه هایتان بمانید قول میدهد که جمهوری اسلامی ساقط میشود، حد خیرخواهی را به آنجا میرساند که مردم را میترساند از اقدامات خشونت آمیز رژیم؛ و عنوان مشیت آهنین جمهوری اسلامی را بر رخ مردم میکشد، و نارضایتی خودش را ازاینکه بردیوارهای شهرهای ایران خطی کشیده شود و یا صدمه ای وارد شود به مردم یاد آور میشود؛ که آنها مال ایران است و ایران با ملاها تفاوت دارد.

به برنامه آقای میرقادری نگاه کردم او درست برعکس، مردم را تشویق میکند به در خیابان ماندن و صحنه را خالی نکردن، از خانه هابیرون آمدن و بی تفاوت نبودن و شرکت در این تظاهرات را تکلیف عامه دانستن.

به پایگاه دیگری که میگوید در ایران است؛ نگاه میکنم دقیقاً خواستاریک مقاومت سخت در حد سوریه است و ناراحتی خودش را از توصیه های نامبارک ایرانیان خارج کشور در عبارت زیر نشان میدهد **<شما نگران ما نباشید ما میدانیم که چکار میکنیم>** تودهنی سختی بماست اگر بفهمیم که مقصودشان چیست.

به یک پایگاه دیگر میرویم ذوق و شوق بینهایت خودش را از شعارهای سلطنتی بازگو میکند و این در حالی است که همان پایگاه سلطنت طلبان در خارج از کشور به شعارهای سطننت طلبی توجهی ندارد و آنها را الحاق برصداها میداند.

یک سلطنت طلب بنده خدائی که در داخل کشور افتاده و فکر میکند که تظاهرات یک موقعیت استثنائی است که دین خود را به کشور و تکلیفش عمل کند واقعا در مقابل این فرامین کاملاً متضاد چه خاکی باید بر سرش بریزد.

اینکه ما بعد از ۴۰ سال مبارزه نمیتوانیم درک کنیم که باید از تظاهرات داخل کشور استقبال کنیم و یا خیر بهتر است آنها را به خانه هایشان عودت بدهیم دلیل فقر درک سیاسی ماست.

فکر نکنید که تضاد در همان حد است که به اشاره رفت خیر بهر سائیتی که رجوع کنید یک دستور و فرمان دارد، همه آنها هم انتظار دارند که حرفشان با قبول عامه روبرو شود.

در این آشفته بازار کارمبارزه چه میشود؟ چه کسی آنرا کنترل واز آن حراست میکند تا برشد واقعی برسد و رهبر مبارزه کیست؟ **هیچکس** و مبارزه به امان خدا رها میشود تا چند سال بعد فراموشی تجربه های تلخ مبارزه بدون رهبری وقاطعیت آنها را بازهم به جریان تازه ای بکشاند وبازنسخه برخورد ایرانیان خارج ازکشور با آن جریان تکرارواقعات ۴۰ ساله گذشته بشود.

چندسال قبل دانشجویان دانشگاه به خبرنگاری بی سی گفتند که ما دیگر درتظاهرات خیابانی شرکت نمیکیم زیرا رهبری نداریم.

مبارزه سیاسی اولش رهبری وهدف وآرمان است وبعد برنامه ریزی وسیس عضو گیری وتشکیل حوزه های مقاومت که ما هیچیک ازانها را نداریم.

های حک تظاهرات

نطق روحانی که حق رابه مردم دادواعتراف کرد که خواست رفاهی مردم بحق و تظاهرات ازحقوق آنهاست. اظهارات استاندار تهران که تظاهرات را حق مسلم مردم دانست.

اظهاراتی مبنی براینکه به تظاهرکنندگان جواز تظاهرات داده شود (نماینده گان مجلس).

خبر تنزل بهای تخم مرغ

سرمقاله کیهان تهران که ازتظاهرات اخیر تهران بعنوان قیام سراسری ملت ایران یاد کرده و آنراستوده، همه وهمه نشانگر آن است که جمهوری اسلامی تظاهرات رفاهی وبعدا سیاسی مردم را های جک کرده وصورت و معنای قیام مردم وتائید خواسته های مردم ازسوی دولت رابه آن تظاهرات داده است واین، ازشیوه های شناخته شده برای خالی کردن خیابانها ازمردم معترض است. در این حالت است که معترضین با دست پر وموفقیت به خانه هایشان برمیگردند وبه رژیم فرصت میدهند که راه یابی کند.

درتظاهرات غیرسیاسی که پیوند ارتباطی با تشکیلاتی ندارد تظاهرکنندگان فاقد پشتیبان وحامیان جدی هستند ولاجرم درحال تزلزل ازآینده درتظاهرات شرکت میکنند وهمینکه دولت روی مسالمت آمیز به آنها نشان داد دیگر تمایلی به ادامه تظاهرات نخواهند داشت؛ اما برعکس درتظاهرات سیاسی که دارای رهبری وهدف براندازی رژیم است این گونه مسالمت جوئی ها تاثیری درجریان قیام و تظاهرات نخواهد داشت واتخاذ این قبیل سیاست ها موجب تجری ودلگرمی تظاهرکنندگان میشود نمونه شورش ۵۷ که وقتی دولت شریف امامی اعلام آشتی وصلاح با مخالفان کرد خمینی گفت کاردولت تمام است.